

تحلیل گفتمان حقوقی؛ واکاوی نقش کارگفت در بافت حقوقی

سجاد عسکری متین^{۱*}، علی رحیمی^۲

۱. کارشناس ارشد پژوهش، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲. استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

پذیرش: ۹۱/۱۱/۲۹

دریافت: ۹۱/۶/۲۷

چکیده

بررسی و تحلیل نقش نظریه‌های کاربردشناسی در بافت حقوقی، موضوعی جدید است. این پژوهش در بستری زبان‌شناختی و با تکیه بر نظریه «کارگفت» جان آر. سرل (1975) به بررسی نقش کارگفت در بافت حقوقی پرداخته است. به همین منظور، متن بیست دادنامه حقوقی صادره از یکی از شعب دیوان عالی کشور به عنوان پیکره انتخاب و از منظر نظریه کارگفت تحلیل شد. هدف اصلی این نوشتار را می‌توان بررسی میزان تطبیق‌پذیری نظریه کارگفت با این متن حقوقی، کارکردهای ویژه نظریه کارگفت در این گونه حقوقی و تحلیل کاربردشناختی این رویداد حقوقی - گفتمانی در دو سطح خرد و کلان از منظر کنش منظوری (غیربیانی) دانست. نتایج از تراکم بالای کارگفت در پیکره، اهمیت و تأثیر بسزای آن در بافت حقوقی و به‌ویژه این گونه حقوقی (دادنامه) حکایت می‌کند. از منظر رویداد گفتمانی و بر اساس برآیندهای مذکور، هر دادنامه حقوقی یک کنش کاربردی - اعلامی در سطح کلان گفتمان حقوقی به‌شمار می‌آید که تعداد زیادی کارگفت توصیفی و اعلامی و اندکی کارگفت‌های دیگر را شامل می‌شود.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان حقوقی، کارگفت، جان آر. سرل، پیکره.

۱. مقدمه

اهمیت وجود سازوکارهای حقوقی و قضایی بر کسی پنهان نیست. اگر نگاهی حقوقی داشته باشیم، بیشتر فعالیت‌های روزمره را می‌توانیم در قالب‌های حقوقی و قضایی تعریف کنیم: خرید بلیت مترو که قراردادی کوچک بین ما و شرکت فروشنده آن است؛ رانندگی که آمیخته‌ای از بایدها و نبایدهای حقوقی و قضایی است؛ حضور در محل کار که طبق قوانین

استخدامی ملزم به انجام آن هستیم و چندین مثال مشابه، همگی بیانگر اهمیت و سهم بسزای مسائل حقوقی در زندگی روزمره ما است. آمارهای منتشرشده در رسانه‌های عمومی از گردش شش الی هفت میلیون پرونده حقوقی و قضایی در سال حکایت می‌کند؛ بنابراین سهم بدنه قضایی و حقوقی را در تولید پیکره زبانی در جامعه امروز ایران نمی‌توان نادیده گرفت. اما آنچه سبب ورود زبان‌شناسان به این حیطه می‌شود، وجود مسائل و مشکلاتی است که مردم و بدنه حقوقی و قضایی در استفاده از زبان دارند؛ چنانکه بررسی زبان‌شناختی بافت حقوقی یکی از حوزه‌های مهم پیش‌روی زبان‌شناسان است.

در سی سال گذشته که با به‌کارگیری محاسبات پیکره‌ای^۱ و پیشامد تحول نقش‌گرا^۲ در زبان‌شناسی روبه‌رو بوده‌ایم، «تحلیل گفتمان» با بستری زبان‌شناختی و ماهیتی بین‌رشته‌ای، به‌عنوان بهترین گزینه برای بررسی دو حوزه معرفت‌شناختی زبان و حقوق (عرف، قانون و قضا) مطرح شده است؛ زیرا یکی از مشخصه‌های تحلیل گفتمان، قابلیت تعمیم و کاربری گسترده آن در حوزه تحلیل انواع متن و بافت‌های زبانی است. در سال‌های اخیر، «تحلیل گفتمان حقوقی»^۳ که از حوزه‌های نسبتاً نو برای مطالعات گفتمان در بررسی نقش و نحوه کاربرد زبان‌شناسی در فرایندهای حقوقی و قضایی به‌شمار می‌آید، توجه بسیاری را جلب کرده است. بی‌گمان، تحلیل متون حقوقی فرصتی بسیار مناسب برای تحلیل‌گر گفتمان خواهد بود؛ زیرا بیشتر کنش‌های حقوقی در بستر متن انجام می‌پذیرد (گزارش دادرسی، بازجویی، رأی دادگاه و...) و می‌توان زبان را بخش جدایی‌ناپذیر معادلات حقوقی و قانونی دانست.

در این مقاله، بررسی کاربرد یافته‌های تحلیل گفتمان در استفاده از زبان که با نام «کاربردشناسی»^۴ مطرح است، محور اصلی رویکرد نویسندگان است. دستاورد این پژوهش بررسی نظری و عملی کاربردشناسی در بافت حقوقی با تکیه بر میانی و نظریات پژوهشگران مطرح در این حوزه است. از آنجا که بررسی همه مؤلفه‌های کاربردشناسی در یک پژوهش میسر نیست، بررسی نقش «کارگفت»^۵ در تحلیل گفتمان حقوقی را برگزیدیم؛ زیرا این مؤلفه کاربردشناختی از اهمیت ویژه‌ای در رویدادهای حقوقی و قضایی برخوردار است (Danet, 1980: 446 & 1985: 278; Gibbons, 1994: 285).

روش این پژوهش در بستری زبان‌شناختی و با تکیه بر نظریه کارگفت جان آر. سرل (1969, 1975)، پژوهشگر بنام حوزه فلسفه زبان است. بر این باوریم که این نوشتار اولین

مقاله‌ای است که به بررسی کارکرد این نظریه در حوزه تحلیل گفتمان حقوقی در زبان فارسی پرداخته است. تلاش برای یافتن پاسخ به سؤال کاردبری زیر، دست‌مایه اصلی این پژوهش بوده است:

- نقش انگاره‌های کاربردشناختی، به‌ویژه، مؤلفه کارگفت در درک و برداشت از رویدادهای حقوقی - گفتمانی چیست و تا چه اندازه مهم و باورپذیر است؟
در این زمینه، متن بیست دادنامه صادره از یکی از شعب دیوان عالی کشور به‌عنوان پیکره انتخاب شد تا میزان تطبیق‌پذیری نظریه کارگفت سرل (1975) با این متن حقوقی، کارکردهای ویژه نظریه کارگفت در این متن حقوقی و تحلیل کاربردشناختی این رویداد حقوقی - گفتمانی در دو سطح خرد و کلان از منظر کنش منظوری (غیربیانی) مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۲. پیشینه تحلیل گفتمان حقوقی

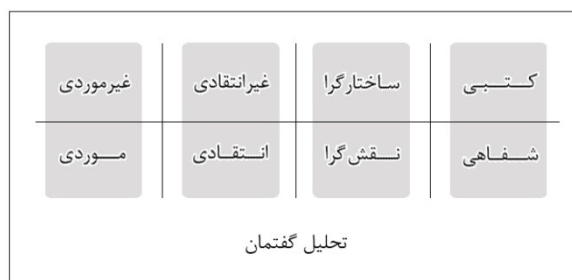
زبان‌شناسی حقوقی هم‌اکنون به‌منزله زیرمجموعه زبان‌شناسی کاربردی شناخته شده و تألیفات و پژوهش‌های چشمگیری در این رشته علمی انجام شده است. در دهه ۱۹۹۰ شاهد شکوفایی این رشته جدید علمی با چاپ مجموعه‌ای از مقالات در حوزه زبان و حقوق هستیم.^۱ افزون بر این، کتاب‌های تأثیرگذاری در این دهه منتشر شدند؛ برای نمونه، *زبان قضات* (Solan, 1993)، *زبان دادگاه* (Stygall, 1994) و *دو زبانگی در دادگاه* (Berk, 1990). در نتیجه این پیشرفت‌های نظری و عملی، در سال ۱۹۹۳ انجمن بین‌المللی زبان‌شناسان حقوقی^۲ پایه‌گذاری شد و در سال ۱۹۹۴ مجله معتبر بین‌المللی *کلام، زبان و قانون*^۳ آغاز به کار کرد. همچنین در سال‌های اخیر مقاله‌های فراوانی در این حوزه نوشته شده است که بیشتر آن‌ها محور مباحث نظری را بر پایه زبان‌شناسی حقوقی قرار داده‌اند.^۴ برای اطلاعات بیشتر از پژوهش‌های فارسی می‌توان به کتاب‌های *زبان‌شناسی حقوقی، نظری و کاربردی* (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۰)، *جرم‌واژه: کشف جرم از طریق زبان‌شناسی حقوقی* (اولسون، ترجمه عزیزی و مؤمنی، ۱۳۹۰) و *زبان‌شناسی حقوقی: درآمدی بر زبان جرم و قانون* (عزیزی و مؤمنی، ۱۳۹۱) اشاره کرد.^۵ بررسی پژوهش در حوزه تحلیل گفتمان حقوقی، پیشینه‌ای چهل‌ساله را برای ما بازگو

می‌کند. یکی از نخستین پژوهش‌های این حوزه را دیوید کریستال و درک دیوی (1969) انجام داده‌اند. آن‌ها جزو اولین کسانی بوده‌اند که تنها روی گونهٔ زبان حقوقی^{۱۱} کار کرده‌اند؛ اگرچه کار ایشان به بررسی ساختاری متون حقوقی در سطح جمله محدود بود (Gustafsson, 1975)، کارهای ساختاری دقیق‌تری هم انجام شده است که مشخصاً روی دست‌ورزبان و ساخت واژگانی متمرکز بوده‌اند. به‌نظر پژوهشگران این حوزه، دههٔ ۱۹۸۰ را می‌توان نقطهٔ عطفی در تحلیل گفتمان حقوقی دانست (Shuy, 1982: 113; Kurzon, 1986: 19). در این دوره پیدایش فناوری‌های ضبط صدا (نوار کاست)، امکان بررسی دقیق‌تر گفتمان شفاهی در محیط‌های حقوقی و قانونی را برای زبان‌شناسان فراهم کرد. مجلهٔ *مروری قانون و جامعه*^{۱۲} در سال ۱۹۸۰ مقاله‌ای از برندا دنت^{۱۳} با عنوان «درآمدی بر تأثیر زبان بر روندهای حقوقی» به چاپ رساند. این مقاله را می‌توان به‌عنوان یکی از اولین پژوهش‌ها در سطح مطالعات نظری در حوزهٔ گفتمان حقوقی به‌شمار آورد (Gibbons, 1994: 286). در سال ۱۹۸۵ کنفرانسی با عنوان «گفتمان شفاهی حقوق^{۱۴}» در دانشگاه جورج‌تون آمریکا برگزار شد. در این کنفرانس موضوعاتی همچون بازجویی از شاهد، شهادت کتبی و شفاهی، زبان هیئت منصفه و... بررسی شد.

اگرچه نوشته‌ها در این حوزه بسیار است و پژوهشگران بنامی در این حوزه کار کرده‌اند، اما تاکنون هیچ پژوهشی دسته‌بندی یا گونه‌شناسی جامعی از پیشینهٔ گفتمان حقوقی ارائه نکرده است. با نگاهی دوباره به چهار دهه پژوهش در حوزهٔ گفتمان حقوقی می‌توان دو دسته تحلیل گفتمان شفاهی و کتبی را شناسایی کرد. دربارهٔ تحلیل گفتمان کتبی، آثاری در زمینهٔ تحلیل لوایح و قوانین حقوقی و قضایی، متن قرارداد و یا گزارش‌های حقوقی و دربارهٔ تحلیل گفتمان شفاهی نیز آثاری در زمینهٔ گفتمان درون و یا خارج از دادگاه را می‌توان دید.

همچنین در دسته‌بندی دیگری، پژوهش در حوزهٔ گفتمان حقوقی به دو دستهٔ پژوهش‌های «ساختارگرا^{۱۵}» و «نقش‌گرا^{۱۶}» تقسیم می‌شود؛ برای نمونه، از پژوهش‌های ساختارگرا می‌توان به پژوهش دربارهٔ پیچیدگی متون حقوقی و مشکل درک مطلب از سوی مخاطب عام اشاره کرد که نتیجهٔ این پژوهش‌ها به تلاش‌هایی برای بازنویسی و ساده‌نویسی متون حقوقی انجامید^{۱۷}. از دههٔ ۱۹۸۰ به بعد بیشتر پژوهش‌ها، رویکردی نقش‌گرا و زمینه‌ای

گفتمانی و کاربردشناختی داشته‌اند. پژوهش دربارهٔ زوج‌های مجاور^{۱۸}، پرسش و پاسخ و کلیشه‌های زبانی^{۱۹} در اظهارنامه‌ها از این جمله‌اند. از سوی دیگر، با نگاه ماهیتی می‌توان پژوهش‌ها را در این حوزه به دو دستهٔ پژوهش‌های «موردی»^{۲۰} و «غیرموردی» تقسیم کرد. پژوهش‌های موردی، پژوهش‌هایی هستند که در آن‌ها گفتمان موجود در یک پروندهٔ خاص بررسی شده است^{۲۱} و پژوهش‌های غیرموردی، به مواردی گفته می‌شود که پژوهشگر در آن‌ها روی پروندهٔ حقوقی خاصی تمرکز نکرده است (ر.ک: Dumas, 1990) که در آن کارگفت^{۲۲} متن چندین پرونده بررسی شده است) شکل ۱ دسته‌بندی نویسندگان از رویکردها به تحلیل گفتمان حقوقی را به تصویر کشیده است. با نگاهی عمیق‌تر به مطالعات انجام شده می‌توان وجه چهارمی نیز برای تمایز پژوهش‌ها در این حوزه در نظر گرفت که تمایز پژوهش‌ها از دیدگاه انتقادی است و به «تحلیل گفتمان انتقادی»^{۲۳}، رویکردی نو در تحلیل گفتمان شهره است.



شکل ۱ رویکردها به تحلیل گفتمان حقوقی

۲-۱. پیشینهٔ کاربردشناسی و معنا در گفتمان حقوقی

گفتمان حقوقی هرچند به پیچیدگی واژگانی و ساختاری^{۲۴} شهره است (آفاگل‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲)، به نظر نویسندگان این مقاله پیچیدگی کاربردشناختی و معناشناختی نیز آن را از دیگر بافت‌های زبانی متمایز می‌کند. هدف «کاربردشناسی گفتمان حقوقی»^{۲۵} بررسی رابطهٔ دوسویهٔ کاربردشناسی و بافت حقوقی، واکاوی مختصات ویژه و منحصر به فرد آن در این

بافت و سرانجام تمایز آن از سایر بافت‌های زبانی است. در این راستا، لوینسون نحوه نوبت‌گیری در دادگاه‌ها را بررسی کرد و دریافت که در مقایسه با بافت عمومی زبان، نحوه نوبت‌گیری در دادگاه طبق روابط قدرت و یک سویه از طرف قاضی تعیین می‌شود (Levinson, 1983: 31). همچنین، بررسی نقش تعیین‌کننده کاربردشناسی در جوهره، عملکرد و تنظیم «نظم اجتماعی» بیانگر این است که این حوزه به بافت عمومی زبان بسیار نزدیک است و همه گونه‌های زبانی اعم از رسمی و غیررسمی را پوشش می‌دهد (Danet, 1985: 276). بررسی نقش مؤلفه «ادب» در روند دادگاه نیز از پژوهش‌های اخیر است که اتخاذ راهبرد ادب سلبی^{۳۶} را به وسیله وکلا و قاضی، پیش‌فرض قرار داده و ذاتی گفتمان حقوقی در دادگاه می‌داند (Kurzon, 2001: 61-85; Archer, 2011: 16-30). درباره سایر مؤلفه‌های برجسته کاربردشناسی؛ یعنی مفاهیم ضمنی، اشارات، پیش‌فرض، قصد و ابهام در بافت حقوقی نیز پژوهش‌هایی دیده می‌شود که از بحث این مقاله خارج است. در ادامه، به بررسی نقش کارگفت در بافت حقوقی می‌پردازیم.

۳. نقش کارگفت^{۳۷} در گفتمان حقوقی

«کارگفت» گزاره‌ای است که گوینده با گفتن یا نوشتن آن مرتکب عمل یا کنش می‌شود که به آن فعل کنشی^{۳۸} می‌گویند^{۳۹}. کارگفت‌ها در گفتمان حقوقی به وفور یافت می‌شوند؛ تعهد دادن، پیشنهاد دادن، انکار کردن، هشدار دادن، موافقت، عذرخواهی، تهدید و توهین از جمله کنش‌های گفتاری هستند که بار حقوقی بر آن‌ها مترتب است. از دید حقوقی کارگفت به گزاره‌ای گفته می‌شود که برای انجام عملی در بافت حقوقی استفاده شود. اهمیت بررسی کارگفت در درک و برداشت صحیح از گفتمان حقوقی مؤثر است؛ چنانکه بررسی کنش‌های گفتاری در بررسی جرایم زبانی سهم عمده پژوهش‌های این حوزه را به خود اختصاص داده است. جرایم زبانی، معمولاً کارگفت‌هایی هستند که از منظر قانون جرم تلقی می‌شوند؛ برای نمونه ارتشاء، توهین، افتراء، دروغ و سرقت ادبی را می‌توان نمونه‌هایی از مصادیق جرایم زبانی دانست. اهمیت بررسی این موضوع برخی از پژوهشگران را بر آن داشته تا به بررسی کارگفت در محیط‌های حقوقی بپردازند^{۴۰}.

صرف‌نظر از بررسی نقش کارگفت در مباحث جرم‌شناسی، بررسی این مؤلفه در مباحث قانون‌گذاری و قضایی نیز موضوعی است که به‌تازگی توجه تحلیل‌گران حقوقی را به خود معطوف کرده است. مطالعه ادبیات به ما نشان می‌دهد که بررسی کارگفت به‌ویژه در روند اجرایی دادگاه‌ها از جمله ژانرهایی است که در بافت حقوقی به آن کمتر پرداخته شده است؛ بنابراین می‌کوشیم تا در این زمینه به کنکاش و جست‌وجو بپردازیم.

همان‌طور که می‌دانیم کارگفت‌ها از نظر ماهیتی به سه دسته کنش‌های منظوری (Illocutionary)، کنش‌های بیانی (Locutionary) و کنش‌های تأثیری (Perlocutionary) تقسیم شده‌اند و از آنجا که در نظریه کارگفت، کنش‌های منظوری به دلیل نقش خاصشان در گفتمان، نقطه عطف نظریه سرل قلمداد می‌شوند (صفوی، ۱۳۸۴: ۸۱)، ما نیز به دلیل هماهنگی با پژوهش‌های مشابه و پژوهشگران مطرح در این حوزه، در ادامه، واژه «کارگفت» را در مقام معنی به جای مفهوم «کنش منظوری» استفاده خواهیم کرد.

۱-۳. دسته‌بندی کارگفت در نظریه سرل

طبق ادبیات کاربردشناسی و به‌ویژه نظریه سرل (1975)، کارگفت‌ها در پنج دسته کنش‌های اعلامی (Declarative)، توصیفی (Representative)، عاطفی (Expressive)، دستوری (Directive) و تعهدی (Commissive) از هم بازشناخته می‌شوند (Austin, 1962; Searle, 1975) که به‌اختصار به تعریف هریک می‌پردازیم.^{۳۱}

الف. کارگفت توصیفی: ماهیت این کارگفت اعتقاد گوینده به حقیقت (درستی یا نادرستی) گزاره و شدت این اعتقاد را شامل می‌شود (Searle, 1975: 354; Danet, 1980: 458). در این کارگفت قصد گوینده، ترسیم محیط پیرامون در یک گزاره است. مثال:

- مورخ ... ملک مسکونی ... را به آقای ع. ف. فروختم.

- در قبال امضای سند، یک فقره چک به مبلغ ... را از ... تحویل گرفتم.

کارگفت‌هایی مانند؛ اظهارکردن، انکار کردن، اقرار کردن، تأکید کردن، اذعان کردن و ... از

این دسته به‌شمار می‌آیند.

ب. کارگفت دستوری: ماهیت این کارگفت تلاش گوینده برای ترغیب شنونده به انجام

کاری است و نوع ترغیب را شامل می‌شود (Ibid: 355; Ibid). در این کارگفت، قصد گوینده



بازتاب یک گزاره در محیط پیرامون است. مثال:

- خواهشمند است با درخواست اصلاح دادخواست ... موافقت فرمایید.
- بنا به حکم دادگاه عمومی ... و با توجه به مراتب ... نسبت به فک رهن ملک ... اقدام شود.
- کارگفت‌هایی مانند درخواست کردن، امر کردن، نهی کردن، سؤال کردن، سفارش دادن و ... از این دسته به‌شمار می‌آیند.
- ج. کارگفت تعهدی: ماهیت این کارگفت ملزم کردن شنونده به انجام کاری در آینده و میزان التزام را شامل می‌شود (Ibid: 354; Ibid). در این کارگفت، قصد گوینده بازتاب یک گزاره در محیط پیرامون است. مثال:
 - شرکا متعهد می‌شوند که قبل از خاتمه مشارکت سهام خود را به غیر واگذار نکنند.
 - طرفین مکلف هستند تحت هر عنوان از واگذاری عرصه و اعیان ملک مذکور خودداری کنند.
- کارگفت‌هایی مانند تعهد دادن، ضمانت کردن، پیشنهاد دادن، قسم خوردن و ... از این دسته به‌شمار می‌آیند.
- د. کارگفت عاطفی: ماهیت این کارگفت ابراز حالت روانی- احساسی گوینده نسبت به محتوای گزاره را شامل می‌شود (Ibid: 356; Ibid). مثال:
 - ضمن محکوم کردن ... از همه خسارت دیدگان عذرخواهی می‌کنم.
 - از بذل توجه قاضی محترم نسبت به ... تشکر می‌کنم.
 - تقیب کردن، محکوم کردن، اظهار پشیمانی، تأسف خوردن، تبریک یا تسلیت گفتن و ... از نمونه‌های این کارگفت به‌شمار می‌آیند.
- ه. کارگفت اعلامی: ماهیت این کارگفت اعلام انجام موفقیت‌آمیز یک کنش در گزاره را شامل می‌شود. البته تحقق این کارگفت وابسته به توان گوینده در برقراری ارتباط بین محتوای گزاره و واقعیت خارجی است (Ibid: 358; Ibid). مثال:
 - پایان جلسه دادرسی پرونده ... را اعلام می‌کنم.
 - رأی دادگاه شعبه ... از جهت ... مخدوش تشخیص داده می‌شود.
- کارگفت‌هایی مانند اعلام کردن، تشخیص دادن، منصوب کردن، استعفا کردن، تسلیم کردن و ... از این دست به‌شمار می‌آیند.

باید توجه کرد که اگر این دو مثال از زبان شاکیان یا وکلا بیان شود، چنین کارگفتی محقق نشده است؛ زیرا این نوع کارگفت زمانی محقق می‌شود که از زبان قاضی یا مقام ذیصلاح بیان شود و همان‌طور که گفته شد، محقق شدن این کارگفت وابسته به توان یا حق گوینده در برقراری ارتباط بین محتوای گزاره و واقعیت خارجی است.

۲-۳. دسته‌بندی کارگفت در بافت حقوقی

پیرو طرح نظریه کارگفت سرل، هابرماس (1989) کارگفت در بافت حقوقی را به سه دسته الف. کارگفت تصدیقی^{۳۲}، ب. کارگفت تنظیمی^{۳۳} و ج. کارگفت احساسی^{۳۴} تقسیم می‌کند (Habermas, 1989: 3). از سوی دیگر، کاوو (2007: 68) دسته‌بندی جدیدی به صورت زیر ارائه می‌دهد:

الف. کارگفت قانونی^{۳۵}: کارگفت‌هایی که در حوزه قانون‌گذاری استفاده شوند؛

ب. کارگفت قضایی^{۳۶}: کارگفت‌هایی که در محیط قضایی به کار می‌روند؛

ج. سایر کارگفت‌های بافت حقوقی.

همچنین از نگاه اثربخشی، پژوهش‌گران کارگفت دستوری را به دو دسته اصلی تقسیم می‌کنند که البته در ادبیات کاربردشناسی از آن‌ها به عنوان صریح و غیرصریح نام برده شده است (Habermas, 1989: 63; Leech, 1983: 198-199):

الف. کارگفت گوینده‌محور^{۳۷} (غیرصریح) که شامل بیان نیازها و خواسته‌های گوینده است. مثال: پولم را می‌خواهم.

ب. کارگفت شنونده‌محور^{۳۸} (صریح) که مربوط به میزان اثرپذیری شنونده در انجام کاری است. مثال: پولم را بده.

درباره نقش ساختمان گروه فعلی در جهت‌دهی به کارگفت نیز دسته‌بندی زیر را ارائه شده است (Cao, 2007: 71-82):

الف. نقش بازدارنده^{۳۹} کارگفت: هنگامی که در گروه فعلی از عناصر سازنده منفی استفاده شود (نباید، حق ندارد، نمی‌شود و به‌طور کلی عنصر سازنده منفی «ن»). مثال: حق نداری به خانه من وارد شوی.



ب. نقش *اختیاری*^{۴۰} کارگفت: هنگامی که در گروه فعلی از عناصر مثبت استفاده شود و بیانگر حالت ضرورت یا نفی نباشد (می توان، می شود، اجازه دارد و ...). مثال: می توانی به خانه من بیایی.

ج. نقش *وادرندۀ*^{۴۱} کارگفت: هنگامی که در گروه فعلی از عناصر سازندۀ مثبت استفاده شود و بیانگر حالت ضرورت باشد (باید، حق دارد، مکلف است و ...). مثال: باید خانه من را ترک کنی.

دربارۀ نقش ساختار گزاره ها بر کارگفت، نیز مطالب فراونی یافت می شود که از بحث این نوشتار دور است.^{۴۲}

۴. معرفی پیکره و شیوۀ پژوهش

متن بیست دادنامۀ صادره از یکی از شعب دیوان عالی کشور در سال ۱۳۹۰ را به عنوان دادۀ زبانی تشکیل دهنده پیکره انتخاب کردیم. ابتدا متن پیکره را در قالب Rtf جمع آوری و سپس در نرم افزار Microsoft Office Word 2010 پیاده سازی کردیم. مشخصات پیکره عبارت است از:

قالب	Rtf.	تعداد حرف	۶۶۸۶۴۰	تعداد کلمات	۸۷۳۲۰	تعداد صفحه	۱۳۸
تعداد سطر	۲۰۵۲	رمزگذاری	اسمی	تعداد رمزگذار	۲	استخراج	Freq.

برای رمزگذاری پیکره براساس مؤلفه های به دست آمده از طرح نظریۀ سرل (1975) و لیچ (1983) اقدام کردیم و نظر به ماهیت مؤلفه ها، از شیوۀ رمزگذاری اسمی استفاده و برای سهولت در استخراج نتایج، هر مؤلفه را جداگانه در نرم افزار PSAW Statistics V.18 تعریف کردیم. برای دسترسی به بخش های مختلف و سهولت در تحلیل، پیکره (دادنامه) را با چند نمونه مشابه از لحاظ ساختاری و بخش های مشابه تطبیق دادیم و به طور کلی پنج بخش اصلی قابل مشاهده در ساختار پیکره به دست آمد که عبارت اند از:

الف. *عنوان و مشخصات دادنامه*: شامل نام خدا، عنوان مرجع رسیدگی کننده، اعلام سلام و احترام، معرفی خواهان و خوانده، معرفی وکیل احتمالی، اشاره به مرجع و شماره ارجاع

پرونده و سوابق آن و سرانجام، اعلام طرح دادنامه؛
 ب. شرح موضوع: شامل دو بخش کلی است. بخش آغازین؛ طرح ماهیت و نوع خواسته خواهان و بخش پایانی؛ ارائه دلایل و مدارک است؛
 ج. شرح پرونده: شامل دو بخش کلی است که به صورت موازی طرح می‌شود. بخش اول؛ شرح رویدادهای مربوط به پرونده با رعایت نظم زمانی و بخش دوم؛ اشاره به جزئیات حقوقی / قانونی هر رویداد؛
 د. طرح ادعا و مستندات: شامل سه مرحله است. مرحله اول؛ طرح ادعاها، مرحله دوم؛ ارائه مستندات و مستدللات و مرحله سوم؛ ارزیابی دلایل (شامل قبول یا رد مورد ادعا)؛
 ه. اعلام رأی: شامل دو مرحله؛ اعلام رأی نهایی با استناد به مواد قانونی و اعلام اقدام نهایی است (اعلام اینکه رأی قطعی است یا قابل تجدید نظر است).
 اختصارات و اسامی رمزها:

(Dec-01) کارگفت اعلامی، (Rep-02) کارگفت توصیفی، (Exp-03) کارگفت عاطفی، (Com-04) کارگفت تعهدی، (Pro-05) نقش بازدارندگی کارگفت، (Per-06) نقش اختیاری کارگفت، (Obl-07) نقش وادارندگی کارگفت، (Part B) بند ب دادنامه؛ شرح موضوع، (Part C) بند ج دادنامه؛ شرح پرونده، (Part D) بند د دادنامه؛ طرح ادعا و مستندات و (Part E) بند ه دادنامه؛ اعلام رأی.

پس از آماده‌سازی پیکره، نویسندگان مقاله، جداگانه اقدام به رمزگذاری پیکره کرده و بخشی از آن را برای آزمون رمزگذاری کردند؛ چنانکه براساس فرمول آلفا کرنباخ، میزان پایایی « $a = 0/89$ و $p \leq 0/05$ » به دست آمد. پس از سنجش میزان پایایی رمزگذاری و اطمینان از صحت روند اجرایی آن، کل پیکره را رمزگذاری کردیم که نتایج را در ادامه می‌آوریم.

۵. ارزیابی نتایج

پس از تحلیل پیکره زبانی پژوهش و بررسی کمی بخش‌های مختلف آن، نتایج را براساس نوع، فراوانی و درصد رخداد کارگفت در بخش‌های پیکره در جدول ۱ می‌بینیم.



جدول ۱

Part B					
		Frequency	Percent	Valid Per.	Cum. Per.
	Exp-03	۲۰	۱/۴	۳/۰	۳/۰
	Per-06	۴۰	۲/۷	۶/۸	۹/۸
	Obl-07	۸۲	۵/۶	۱۲/۵	۲۱/۶
Valid	Pro-05	۸۳	۵/۷	۱۲/۶	۳۴/۲
	Dec-01	۱۰۳	۷/۰	۱۵/۷	۴۹/۹
	Rep-02	۳۲۹	۲۲/۴	۵۰/۸	۱۰۰/۰
	Total	۶۵۷	۴۴/۸	۱۰۰/۰	

Part C					
		Frequency	Percent	Valid Per.	Cum. Per.
	Com-04	۸۰	۵/۵	۵/۵	۵/۵
	Obl-07	۱۰۰	۶/۸	۶/۸	۱۲/۳
Valid	Pro-05	۱۲۲	۸/۳	۸/۳	۲۰/۶
	Dec-01	۲۰۱	۱۳/۷	۱۳/۷	۳۴/۳
	Rep-02	۹۶۲	۶۵/۶	۶۵/۷	۱۰۰/۰
	Total	۱۴۶۵	۹۹/۹	۱۰۰/۰	

Part D					
		Frequency	Percent	Valid Per.	Cum. Per.
	Exp-03	۲۰	۱/۴	۲/۳	۲/۳
Valid	Rep-02	۲۳۹	۱۶/۳	۲۷/۲	۲۹/۵
	Dec-01	۶۲۰	۴۲/۳	۷۰/۵	۱۰۰/۰
	Total	۸۷۹	۶۰/۰	۱۰۰/۰	

Part E					
		Frequency	Percent	Valid Per.	Cum. Per.
	Pro-05	۶۰	۴/۸	۱۱/۸	۱۱/۸
Valid	Rep-02	۱۲۲	۸/۳	۲۴/۰	۳۵/۸
	Dec-01	۳۲۷	۲۲/۳	۶۴/۲	۱۰۰/۰
	Total	۵۰۹	۳۴/۷	۱۰۰/۰	

توزیع کارگفت‌ها در بخش‌های مختلف دادنامه (طبق جدول ۱) به این شرح است:

الف. در بخش شرح موضوع (*Part B*): توزیع کارگفت‌ها از فراوانی ۵۰/۱ درصد کارگفت توصیفی، ۳۱/۲ درصد کارگفت دستوری، ۱۵/۷ درصد کارگفت اعلامی و ۳/۰ درصد کارگفت عاطفی حکایت دارد؛

ب. در بخش شرح پرونده (*Part C*): ۶۵/۷ درصد فراوانی کارگفت توصیفی، ۱۵/۱ درصد کارگفت دستوری، ۱۳/۷ درصد کارگفت اعلامی و ۵/۵ درصد کارگفت تعهدی دارد؛

ج. در بخش طرح ادعا و مستندات (*Part D*): توزیع کارگفت نشان‌دهنده فراوانی ۷۰/۵ درصد کارگفت اعلامی، ۲۷/۲ درصد کارگفت توصیفی و ۲/۳ درصد کارگفت عاطفی است؛

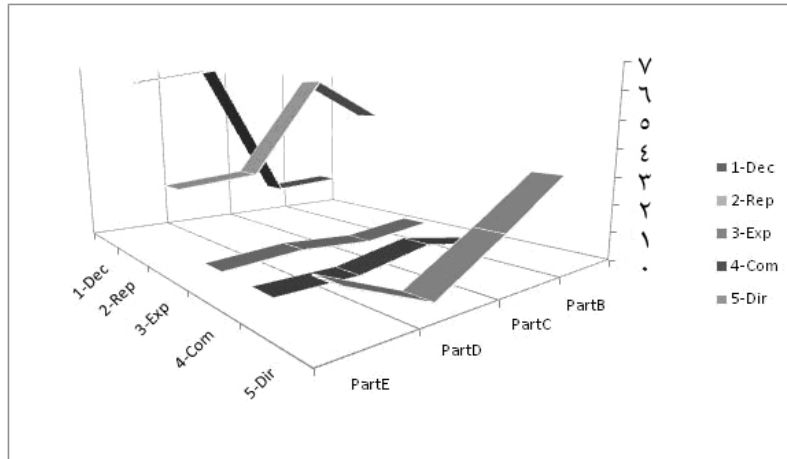
د. در بخش اعلام رأی (*Part E*): ۶۴/۲ درصد فراوانی کارگفت اعلامی، ۲۴/۰ درصد کارگفت توصیفی و ۱۱/۸ درصد کارگفت دستوری دارد.

جدول ۲

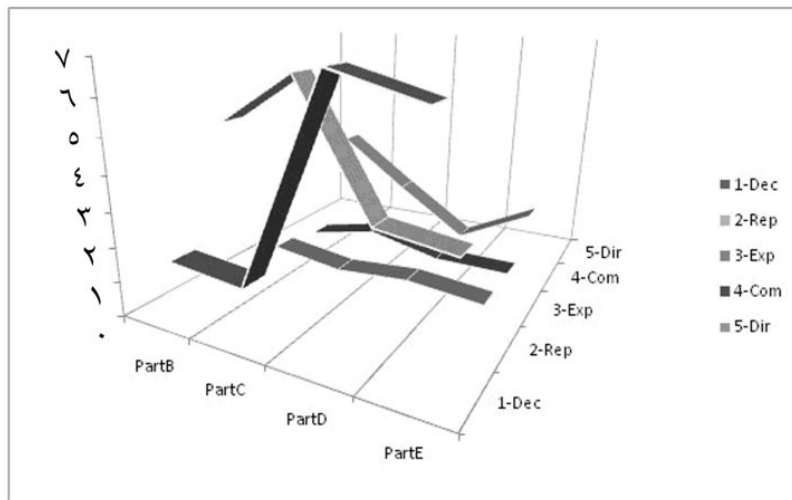
	N	Percent		N	Percent
PartA	.		PartB	۶۵۷	۱۸/۷
PartC	۱۴۶۵	۴۱/۷	PartD	۸۷۹	۲۵/۱
PartE	۵۰۹	۱۴/۵	Total N	۳۵۱۰	۱۰۰

در مجموع، ۳۵۱۰ کارگفت از درون پیکره استخراج شد که به ترتیب ۴۱/۷ درصد کارگفت‌ها در بخش شرح پرونده، ۲۵/۱ درصد در قسمت طرح ادعا و مستندات، ۱۸/۷ درصد در بخش شرح موضوع و ۱۴/۵ درصد در بخش اعلام رأی توزیع شده‌اند (جدول ۲).

نمودار ۱ نشانگر سه بعدی توزیع کارگفت است که به خوبی دامنه کارگفت‌ها را در پیکره نشان می‌دهد. در این زاویه از نمودار دامنه کارگفت توصیفی و اعلامی را به خوبی می‌بینیم؛ براساس نمودار، بالاترین دامنه را در کارگفت اعلامی، بخش طرح ادعا و مستندات (۷۵/۵ درصد) و سپس در کارگفت توصیفی بخش شرح پرونده (۶۵/۷ درصد) می‌توان دید.



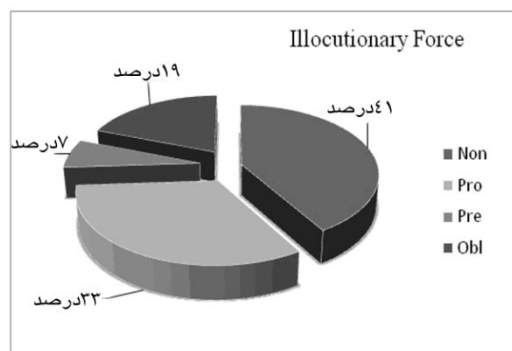
نمودار ۱ مدل سه بعدی توزیع کارگفت در پیکره



نمودار ۲ مدل سه بعدی توزیع کارگفت در پیکره

نمودار ۲ همچنین زاویه دیگری از نمودار سه بعدی توزیع کارگفت را نشان می دهد. در

این نمودار به خوبی دامنه کم کارگفت تعهدی و کارگفت عاطفی مشاهده می‌شود. با توجه به نمودار ۳؛ نقش بازدارندگی کارگفت‌ها ۳۳ درصد، نقش وادارندگی ۱۹ درصد و نقش اختیاری ۷ درصد مشاهده شد. در ۴۱ درصد از کارگفت‌ها نیز نقش منظوری مطابق با تعریف لیچ مشاهده نشد.



نمودار ۳ مدل پای - نقش منظوری کارگفت

۵-۱. تحلیل نتایج

تراکم کارگفت در پیکره، نشانه اهمیت و تأثیر بسزای آن در بافت حقوقی و به‌ویژه این نوع از بافت حقوقی (دادنامه) است. نگاهی به نتایج نشان می‌دهد که کارگفت اعلامی و توصیفی بیشترین سهم را از کارگفت در این پیکره به خود اختصاص داده‌اند. تحلیل ترتیبی^{۴۳} (رشته‌ای) پیکره تحت مدل Multiple Response Analysis نشان می‌دهد که از منظر تحلیل کلان، بخش‌های پیکره شامل موارد زیر است:

الف. بخش‌های شرح موضوع و شرح پرونده که در سطح کلان نقش کنش توصیفی را بر عهده دارند؛ ب. بخش‌های طرح ادعا و مستندات و اعلام رأی که در سطح کلان نقش کنش اعلامی دارند؛

بنابراین پیکره این پژوهش (دادنامه حقوقی) را می‌توان از نظر نقش کنشی آن در بافت حقوقی با این معادله معرفی کرد:

$$\{(Rep.)^n + (Dec.)^n = \sum Dec.\}$$

تطبيق این معادله با پیکره چنین می‌شود:

{کنش کاربردی اعلامی = ۱۱۴۸ کارگفت اعلامی + ۱۶۵۲ کارگفت توصیفی }

به عبارت دقیق‌تر، از منظر رویداد گفتمانی و طبق نتایج این پیکره، هر دادنامه حقوقی یک کنش کاربردی اعلامی^{۴۴} در سطح کلان گفتمان حقوقی است که تعداد زیادی کارگفت توصیفی و اعلامی و اندکی از سایر کارگفت‌ها را شامل می‌شود.

ج. استفاده از کارگفت گوینده‌محور (غیرصریح) در مقایسه با کارگفت شنونده‌محور (صریح) در این پیکره بسیار چشمگیر بود؛ براساس نتایج، بیشتر کارگفت‌ها به صورت غیرصریح بیان شده‌اند. علت استفاده کارگفت غیرصریح در دادنامه نیازمند بررسی همه‌جانبه است، اما می‌توان عجلانه نتیجه گرفت که استفاده از کارگفت غیر صریح در دادنامه، سیاست قاضی در کاستن نقش کنشی دادنامه و نزدیک کردن آن به نقش نُرَم‌گرای قوانین است، زیرا هر دادنامه صادره می‌تواند از طرف دادگاه عالی‌تر نقض یا باطل اعلام شود.

۶. نتیجه‌گیری

میزان تطبيق‌پذیری نظریه کارگفت سرل (1975) با این متن حقوقی به‌خوبی قابل مشاهده است؛ چنانکه می‌توانیم اذعان کنیم دسته‌بندی پیشنهادی سرل بهترین دسته‌بندی موجود در ادبیات کاربردشناسی است که با سایر مؤلفه‌های زبان‌شناختی نیز سازگار است. البته همان‌طور که در بخش ۲-۳ اشاره شد، برای تطبيق‌پذیری بیش‌از‌بیش نظریه کارگفت سرل با بافت حقوقی، نیازمند اضافه کردن مؤلفه‌های بیشتری به این دسته‌بندی هستیم.

کاربرد این پژوهش در درک و برداشت درست از بافت حقوقی، به‌ویژه ژانر دادنامه، انکارناپذیر است. اگر بخواهیم نقش نظریه کارگفت در تحلیل گفتمان حقوقی را به‌طور خلاصه بیان کنیم، می‌توانیم آن را در جامعه، در سه حوزه با بدنه حقوقی مرتبط بدانیم:

الف. استفاده از دستاوردهای کاربردشناختی این نظریه در آشنایی و توانمندسازی مردم و بدنه حقوقی در برقراری تعاملات گفتمانی اثربخش و کارآمد در محیط‌های حقوقی؛

ب. استفاده از مؤلفه‌های زبانی به‌ویژه نظریه کارگفت در استفاده از گفتمان به‌عنوان سند

و مدرک زبانی در رویدادهای حقوقی؛

ج. استفاده از مؤلفه‌های کاربردشناختی به‌ویژه نظریه کارگفت در بافت حقوقی برای

روشن‌تر شدن و یافتن افق‌های جدید در سایر بافت‌های عمومی زبان و کاربردشناسی عمومی. نکته آخر اینکه نقش کاربردشناسی در تحلیل گفتمان حقوقی، کمترین سهم از ادبیات علمی را در منابع غیرفارسی به خود اختصاص داده است. این کمبود را در مطالعه منابع فارسی نیز به خوبی می‌توانیم ببینیم؛ چنانکه در بررسی ادبیات فارسی مربوط به این موضوع دو مورد قابل توجه است:

الف. شمار اندک پژوهش‌ها و پژوهشگران علاقه‌مند به این موضوع؛

ب. محدود بودن امکان دسترسی به منابع زبانی دست اول حقوقی و قضایی مانند متن دادرسی، بازجویی، رأی دادگاه و غیره به دلیل نبود سازوکار قانونی برای دسترسی زبان‌شناسان به این‌گونه متون.

شاید عدم آشنایی بدنه حقوقی و قضایی درباره اهمیت نظری و تجربی تحلیل گفتمان در روند رسیدگی به امور حقوقی و یا تازگی و جدید بودن توجه و رویکرد زبان‌شناسان ایرانی به بافت حقوقی را بتوان بهانه‌ای برای موانع موجود در راه پژوهش در این حوزه به‌شمار آورد، اما با نگاهی به آینده و گذر زمان بی‌گمان شاهد رشد و شکوفایی این شاخه جدید از زبان‌شناسی کاربردی خواهیم بود.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. corpus linguistics
2. systemic functional linguistics
3. forensic discourse analysis
4. pragmatics
5. speech act
6. See: Gibbons, 1994; Levi & Walker, 1990; Rieber & Stewart, 1990.
7. The International Association of Forensic Linguists
8. *International Journal of Speech, Language and the Law*
9. See: Cotterill, 2003; Eades, 1994, 2005; Heffer, 2005; Hydon, 2005; Rock, 2007.
۱۰. برای اطلاع از مقالات موجود رک. آفاگل‌زاده، ۱۳۸۴، ۱۳۸۹؛ شای، ترجمه استاجی، ۱۳۸۳.
11. legal register
12. law and society review
13. Brenda Danet
14. spoken legal discourse
15. structural
16. functional



۱۷. ر.ک: Charrow & Charrow, 1979؛ آقاگل‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹.

- 18. adjacency pairs
- 19. formulaic language
- 20. case study

۲۱. ر.ک: Shuy, 1982. در پرونده تگزاس و دیویس 1979.

- 22. speech acts
- 23. critical discourse analysis
- 24. verbal and structural complexity
- 25. pragmatics of legal discourse
- 26. negative face work

۲۷. معادل «کنش گفتاری» نیز به کار رفته است.

28. Performative

29. See: Austin, 1962; Searle, 1969,1975; Yule, 1996; Shuy,1993,2004; Mey,1993.

۳۰. برای نمونه ر.ک: Danet,1980; Jori, 1994; Malley & Fahey, 1991,1994; Stygall, 1994

و آقاگل‌زاده، 1390.

۳۱. گفتنی است مثال‌ها از درون پیکره انتخاب شده‌اند.

- 32. constative speech acts
- 33. regulative speech acts
- 34. expressive speech acts
- 35. legislative speech acts
- 36. judicial speech acts
- 37. speaker based speech acts
- 38. hearer-oriented speech acts
- 39. prohibition force
- 40. permission force
- 41. obligation force
- 42. See: Yule, 1996.
- 43. string Analysis
- 44. pragmatic act of declaration

۸. منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۰). *زبان‌شناسی حقوقی (نظری و کاربردی)*. ویراست ۲. تهران: نشر علم.
- _____ (۱۳۸۴). «زبان‌شناسی قضایی (قانونی): رویکردی نوین در زبان‌شناسی کاربردی». *مجموعه مقاله‌های نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی. صص ۲۱۵-۲۲۵.

- آقاگل‌زاده، فردوس؛ فائزه فرازنده‌پور و ارسلان گلغام (۱۳۸۹). «تحلیل زبان‌شناختی آرای قضایی براساس الگوی خلاق: رویکرد حوزه‌ زبان‌شناسی حقوقی». *مجله جستارهای زبانی (پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی سابق)*. س ۱. ش ۱. ص ۱۱.
- اولسون، جان (۱۳۹۰). *جرم‌واژه: کشف جرم از طریق زبان‌شناسی حقوقی*. ترجمه عزیزی و مؤمنی. تهران: نشر کتابدار.
- صفوی، کوروش. (۱۳۷۹). *درآمدی بر معناشناسی*. تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- _____ (۱۳۸۴). *فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی*. تهران: فرهنگ معاصر.
- شای، دبلیو. راجر (۱۳۸۳). «زبان‌شناسی قانونی». ترجمه اعظم استاجی. *مجله حقوقی دادگستری*. س ۶۸. ش ۴۹-۴۸. ص ۳۶۵-۳۸۰.
- عزیزی، سیروس و نگار مؤمنی (۱۳۹۱). *زبان‌شناسی حقوقی: درآمدی بر زبان، جرم و قانون*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- Archer, Dawn (2011). "Cross-examining Lawyers, Facework and the Adversarial Courtroom". *Journal of Pragmatics*. 43.
- Austin, Joh. (1962). *How to Do Things with Words*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Berk-Seligson, Susan (1990). *The Bilingual Courtroom*. Chicago: University of Chicago Press.
- Cao, D. (2007). "Legal Speech Acts as Intersubjective Communicative Action". In: Wagner, A., et al. (Eds.), *Interpretation, Law and the Construction of Meaning*. Springer Netherlands, Netherlands. Pp. 65–82.
- Charrow, R.P. & V.R. Charrow (1979). *Making Legal Language Understandable: A Psycholinguistic Study of Juryinstructions*. Columbia Law Review 79. 7.
- Cotterill, J. (2003). *Language and Power in Court: A Linguistic Analysis of the O.J. Simpson Trial*. Basingstoke: Palgrave.
- Crystal D. & D.Davy (1969). *Investigating English Style*. London: Longman.
- Danet, B. (1980). "Language in the Legal Process". *Law and Society Review*



14(3). Pp. 445–564.

- ———, et al. (1980). *An Ethnography of Questioning*. In R. Shuy & A. Shnukal (Eds.), *Language Use and the Uses of Language: Papers From the Fifth NWAV* (Pp. 34–222). Washington, DC: Georgetown University Press.
- ——— (1985). “Legal discourse.” In van Dijk T A (Ed.), *Handbook of Discourse Analysis 1: Disciplines of Discourse*. New York: Academic Press. Pp. 273–291.
- Dumas, Bethany K. (1990). “An Analysis Ofthe Adequacy of Federally Mandated Cigarette Package Warnings”. In JudithLevi and Anne Walker (Eds.), *Languagein the Judicial Process*. Newyork: Plenum. Pp. 52-309.
- Eades, D. (1994). *A Case of Communicative Clash: Aboriginal English and the Legal System*. In J. Gibbons (Ed.), *Language and the Law* (Pp. 64-234). Harlow: Longman.
- ——— (2005). “Applied Linguistics and Language Analysis in Asylum Seeker Cases”. *Applied Linguistics*. Vol. 26. No. 4. Pp. 26-503.
- Gibbons, John (1994). *Language and the Law*. London: Longman.
- Gustafsson, M. (1975). *Some Syntactic Properties of English Law Language*. Publications of Department of English, University of Turku Finland, 4.
- Habermas, J. (1989). *On the Pragmatics of Communication*. MIT Press, Cambridge.
- Heffer, C. (2005). *The Language of Jury Trial: A Corpus-aided Analysis of Legal-lay Discourse*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Heydon, G. (2005). *The Language of Police Interviewing: A Critical Analysis*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Jori, M. (1994). “Legal Performatives”. In Asher R E (Ed.), *The Encyclopedia of Language and Linguistics*. Oxford: Pergamon Press. 2092–2097.
- Kurzon D. (1986). *It Is Here by Performed... Explorations in Legal Speech Acts*. Amsterdam: John Benjamins.

- Kurzon, D. (2001). "The Politeness of Judges: American and British Judicial Behavior". *Journal of Pragmatics*. No. 33. Pp. 61-85.
- Leech, G.N. (1983). *Principles of Pragmatics*. Longman Group Limited, London.
- Levi, Judith & Anne Walker (1990). *Language in the Judicial Process*. New York: Plenum.
- Levinson, S. (1983). *Pragmatics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Maley, Y. & R. Fahey (1991). "Presenting the Evidence: Constructions of Reality in Court". *International Journal for the Semiotics of Law*. 4(10) Pp. 3-17.
- ————— (1994). "The Language of the Law". In Gibbons (Ed.). Pp. 11-50.
- Mey, J.L. (1993). *Pragmatics: An Introduction*. Oxford: Blackwell.
- Rieber, Robert & William Stewart (Eds). (1990). *The Language Scientist as Expert in the Legal Setting*. New York: New York Academy of Sciences, 606. No. 6.
- Rock, F. (2007). *Communicating Rights: The Language of Arrest and Detention*. London: Palgrave.
- Searle, J.R. (1969). *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- ————— (1975). A taxonomy of illocutionary acts. In: Gunderson, K. (Ed.), *Language, mind, and knowledge*. Minneapolis: University of Minnesota Press. Pp. 344-369.
- Shuy, Roger (1982). "Topic as the Unit of Analysis in a Criminal Law Case". In Deborah Tannen (ed.), *Analyzing Discourse: Text and Talk*. Washington DC: Georgetown University Press.
- ————— (1993). *Language Crimes*. Oxford: Blackwell.
- ————— (2004). "To Testify or Not to Testify". In Cotterill, J.(ed.), *Language in the Legal Process*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.



- Solan, Lawrence (1993). *The Language of Judges*. Chicago: University of Chicago Press.
- Stygall, Gail (1994). *Trial Language*. Philadelphia: John Benjamins.
- Yule, George (1996). "Pragmatics". In Widdowsen H.G. (Eds.) *Oxford Introductions to Language Study*. Oxford: Oxford University Press.

Translated Resources:

- Aghagolzadeh, Ferdows (2005). "Forensic Linguistics: A New Approach in Applied Linguistics". *The First Seminar of Linguistics Society of Iran (LSI)*. Tehran: Allameh Tabataba'i University Press. Pp. 215-225 [In Persian].
- Aghagolzadeh, Ferdows (2011). *Forensic Linguistics (A Course Book)*. 2nd Ed. Tehran: Nashshre Elm [In Persian].
- Aghagolzadeh, Ferdows, Arsalan Golfam & Faezeh Farazandeh-Pour (2010). "Linguistic Analysis of jury Votes/Verdicts Based on Innovative Parrern". *Language Related Research (Comparative Language and Literature Research)*. Year 1. No. 1. Pp. 11 [In Persian].
- Azizi, Sirous & Negar Mo'meni (2012). *Forensic Linguistics: An Introduction to Language, Crime, and law*. Tehran: Jahad Daneshgahi Publications [In Persian].
- Safavi, Koorosh (2000). *An Introduction to Semantics*. Tehran: Islamic Propagations Organization [In Persian].
- Safavi, Koorosh. (2005). *Descriptive Dictionary of Semantics*. Tehran: Farhange Mo'aser [In Persian].
- Shuy, W. Roger (2004). "Linguistics of Law". Translation by Azam Staji. *The Court Journal of Law*. Year 68. S 49-48. Pp. 365-380 [In Persian].
- Ulson, John (2011). *Wordcrime : Solving Crime through Forensic Linguistics*. Translation by: Azizi & Mo'meni. Tehran: Nashre Ketab [In Persian].